

اخلاق

قدم اول

نویسنده: دیوراینسون - طراح: کریس کارات
ترجمه: علی اکبر عبدالآبادی



پرسش‌های اخلاقی

همه به اخلاق علاقه‌مندند. ما همگی دربارهٔ اینکه چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است و نیز دربارهٔ اینکه چگونه می‌توان فرق میان آن دو را تشخیص داد، آرائی مخصوص به خود داریم. فیلسوفان و کشیشان در رادیو از «سردرگمی‌های» اخلاقی سخن می‌گویند. مردم دیگر چنان‌که باید، رفتار نمی‌کنند.



این‌ها حرف‌هایی است که تحویل ما می‌دهند. اما «سراسیمگی‌های اخلاقی» همیشه وجود داشته‌اند. افلاطون در قرن چهارم پیش از میلاد تصوّر می‌کرد آئین به سبب شکاکیت اخلاقی هولناکی که فیلسوفان سفسطه‌گر بانی آن بودند و نیز به سبب ساده‌لوحی همشهریان وی محکوم به زوال است.

موجودات اجتماعی

هریک از ما محصول جامعه‌ای خاص هستیم. ما «خودمان را نمی‌سازیم». ما قسمت عمده‌ای از آنچه را که «هویت» خویش تلقی می‌کنیم و نیز «اعتقادات شخصی‌مان» را موهون اجتماعی هستیم که در آن زندگی می‌کنیم. این مطلب برای ارسطو معنای دقیقی دارد. به عقیده ارسطو، نخستین وظیفه حکومت این است که انسان‌های جامعه‌گرا را قادر سازد به مباحث فلسفی بپردازند و سرانجام بر سر یک قاعده مشترک اخلاقی به توافق برسند.



آدمی بالطبع حیوانی سیاسی است و زیستن تحت لوای یک حکومت در طبیعت او نهفته است.

اما همین که شکل گرفتیم، بسیاری از ما به پرسش از جامعه‌ای که ما را ساخته، می‌پردازیم و این کار را به گونه‌ای خاص خود انجام می‌دهیم. سقراط تأکید می‌ورزید که وظیفه ما در واقع همین است.



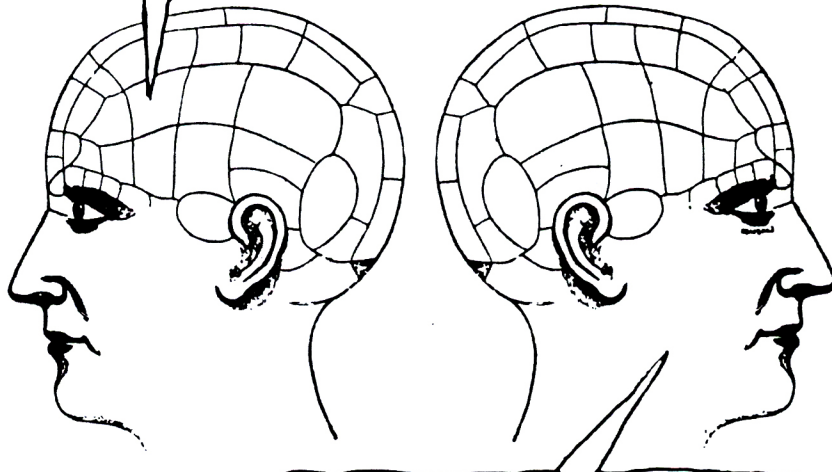
در باره اعتقادات اخلاقی پذیرفته شده پرسش‌هایی مطرح کنید و هرگز از این کار باز نایستید.

حکومت می‌تواند تعیین کند که چه چیزی قانوناً درست و چه چیزی نادرست است، ولی قانون و اخلاق یک چیز نیستند.

اجتماع‌گرایان یا فردگرایان؟

فلسفه اخلاق امر پیچیده‌ای است. زیرا اخلاق، آمیزه عجیبی از سنت رایج و اعتقادات شخصی است.

بعضی از فیلسوفان بر اهمیت جامعه تأکید ورزیده‌اند و افلاق فردی را اشتقاقی از آن می‌دانند.



فیلسوفان دیگر بر اهمیت فرد فرودمفتر تأکید می‌ورزند و ادعا می‌کنند که جامعه صرفاً توافق مفید است که باید فرمتگزار اهداف و فواسته‌های افراد باشد.

هم فردگرایان و هم فیلسوفان اجتماعی ابا دارند از اینکه اخلاق را فقط به عنوان «قواعدی محفلی» که اعضا بر سر آنها توافق کرده و آنها را تنظیم نموده‌اند، تبیین کنند. هر دو گروه می‌خواهند اخلاق اجتماعی یا نیاز به اخلاقی فردی را با توسل به مجموعه‌ای از آرمان‌های «بی‌طرف» روا بشمارند. بخش اعظم این کتاب درباره کوشش‌های مختلفی از این دست است که تلاش کرده‌اند مبنایی برای اخلاق فراهم آورند.